

تبیین جامعه‌شناختی اثرپذیری فرهنگ سیاسی شهروندان کلان‌شهر اهواز

بر اساس مؤلفه‌های فرهنگی قوم‌گرایی و سنت‌گرایی

(صفحات ۹ تا ۳۸)

DOR: 20.1001.1.17358663.1399.15.4.1.8

نوع مقاله: پژوهشی

نسرین درویشی^۱ * دکتر احمد آذین^۲ * دکتر اصغر محمدی^۳

پذیرش: ۹۹/۰۵/۳۱

دریافت: ۹۹/۰۵/۲۰

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین جامعه‌شناختی فرهنگ سیاسی و مؤلفه‌های فرهنگی قوم‌گرایی و سنت‌گرایی مؤثر بر آن در کلان‌شهر اهواز انجام شده است. داده‌های این پژوهش با روش پیمایشی از نمونه‌ای با حجم ۳۸۴ نفر در پاییز ۱۳۹۹، جمع‌آوری شد که از جمعیت ۷۸۱۰۹۱ نفری شهروندان ۱۸ تا ۶۵ سال ساکن در کلان‌شهر اهواز به شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده بودند. متغیر وابسته (فرهنگ سیاسی) با سه بعد ارزش‌های سیاسی، نگرش‌های سیاسی و دانش سیاسی، عملیاتی شد و رابطه آن با متغیرهای مستقل شامل قوم‌گرایی و سنت‌گرایی که ترکیب و تلفیقی از نظریات اینگلههارت، الازار، پاول، آلموند و وربا است، فرضیه‌سازی و آزمون شد. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش، پرسشنامه است که پایایی آن از طریق ضریب آلفای کرونباخ برآورد و داده‌های حاصل از آن نیز، با استفاده از نرم‌افزار AMOS و spss26 در دو سطح توصیفی و استنباطی تحلیل شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که از بین دو متغیر قوم‌گرایی و سنت‌گرایی، متغیر سنت‌گرایی با فرهنگ سیاسی رابطه‌ی مثبت و قوم‌گرایی با فرهنگ سیاسی رابطه‌ی منفی معنی‌داری دارند. همچنین در خصوص رابطه‌ی قوم‌گرایی و سنت‌گرایی با ابعاد فرهنگ سیاسی مشخص شد که قوم‌گرایی با ارزش‌های سیاسی، رابطه‌ی مثبت معنی‌دار و با نگرش‌های سیاسی و دانش سیاسی، رابطه‌ی منفی معنی‌داری دارد. همچنین سنت‌گرایی هم با ارزش‌های سیاسی، رابطه‌ی مثبت معنی‌دار و با نگرش‌های سیاسی، رابطه‌ی منفی معنی‌دار دارد، ولی سنت‌گرایی با دانش سیاسی، رابطه‌ی معنی‌داری ندارد.

واژگان کلیدی: فرهنگ سیاسی، شهروندان کلان‌شهر اهواز، مؤلفه‌های فرهنگی، قوم‌گرایی و سنت‌گرایی.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

na.darvishi1979@gmail.com

۲. استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد اصفهان(خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

dr.ahmadazin96@gmail.com

۳. استادیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران. asghar.mo.de@gmail.com

۱- بیان مسأله

توجه به فرهنگ، اگر چه پیشینه‌ای تاریخی دارد، اما باز توجه مجدد به آن و اهمیت بخشی به فرهنگ به‌عنوان متغیری تعیین‌کننده، اتفاق جدیدی است که در چند دهه اخیر روی داده است. از دهه هشتاد میلادی با چرخش نظری که در حوزه‌ی نظریه‌پردازی علوم انسانی و اجتماعی انجام گرفته است، نقش فرهنگ در تبیین پدیده‌های اجتماعی و انسانی، برجسته‌تر شده است. اگرچه سابقه این اهمیت بخشی به فرهنگ را می‌توان در دیدگاه‌های کلاسیک هم پیدا کرد، اما توجه به فرهنگ به‌عنوان یک متغیر مستقل تأثیرگذار، اتفاقی است که از دهه هشتاد میلادی ظهور کرده است. در چند دهه‌ی اخیر، فرهنگ بار دیگر به‌صورت کانون مرکزی نظریه‌پردازی جامعه‌شناسی درآمده است. این بازگشت به فرهنگ در جامعه‌شناسی از زمانی اتفاق افتاد که فرهنگ برای همه رشته‌های علوم اجتماعی و علوم انسانی، یکی از مفاهیم مهمی شد که روزه‌روز بر اهمیت آن افزوده می‌شد. (هال و مری، ۱۳۹۱: ۷) به‌طوری‌که امروزه مفهوم فرهنگ، جزء جدایی‌ناپذیر تفکر در علوم اجتماعی شده است. هم‌چنین فرهنگ سیاسی، بخشی از کل فرهنگ است که نوع نگاه فرد به سیاست، ساختار سیاسی و میزان نحوه نقش‌آفرینی او در فرایند سیاسی را تعیین می‌کند. در قالب فرهنگ سیاسی است که روند توسعه سیاسی پیش‌بینی می‌شود. فرهنگ سیاسی، مجموعه‌ای از نگرش‌ها، ایستارها و جهت‌گیری‌های یک ملت نسبت به نظام سیاسی، نخبگان و قدرت سیاسی است که از نظر تاریخی و در ارتباط با رویدادهای درون جامعه شکل می‌گیرد و جایگاه نوع رابطه مردم با سیاست را تعیین می‌کند. در بحث تبارشناسی مفهوم فرهنگ سیاسی، می‌توان از قرن‌ها عمومیت یافتن وجوه متفاوت قدرت در موقعیت‌ها و مکان‌های مختلف سخن گفت. «طبایع» افلاطون، «روح قوانین» منتسکیو^۱، «اخلاقیات» ژان ژاک روسو^۲، «معیارهای دیوید هیوم»^۳، «عادات قلبی و درونی» الکس دوتوکویل^۴، «وجدان جمعی» امیل دورکیم^۵ و «نظام‌های اقتدار» ماکس وبر^۶، همگی جزء پیشینه این مفهوم می‌باشند. در دهه‌های اخیر،

1. Baron de Montesquieu
2. Jean-Jacques Rousseau
3. David Hume
4. Alexis de Tocqueville
5. Émile Durkheim
6. Max Weber

مطالعات گابریل آلموند^۱، سیدنی وربا^۲، لوسین پای^۳، جی بینگهام پاول^۴، لاری دایموند^۵، رونالد اینگلهارت^۶، دانیل الازار^۷ در حوزه‌ی فرهنگ سیاسی کشورهای مختلف نشان داد که فرهنگ سیاسی یکی از متغیرهای مهم شناخت، طبقه‌بندی نظام‌های سیاسی و تبیین‌کننده‌ی تفاوت‌های کنش سیاسی افراد در گروه‌ها، طبقات و قومیت‌ها در کشورهای مختلف است.

از دیدگاه غالب این نظریه‌پردازان، فرهنگ سیاسی، چارچوبی است که رفتار سیاسی در آن شکل می‌گیرد. بنابراین برای بررسی رفتارها و گرایش‌های سیاسی افراد نسبت به نظام سیاسی، رهبران سیاسی و نقش‌های سیاسی، ابزار مفهومی ارزشمندی تلقی می‌شود، که در فرایند مطالعه آن، بررسی و شناخت عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فرهنگ سیاسی، راهگشا می‌باشد. در روند برنامه‌ی مطالعات اجتماعی-سیاسی، پرداختن به نقش عوامل فرهنگی و فرهنگ بومی و بررسی و شناخت تأثیرات آن بر ابعاد فرهنگ سیاسی را می‌طلبند. کلان‌شهر اهواز به‌عنوان مرکز استان خوزستان، با جمعیتی برابر ۱ میلیون و ۳۰۲ هزار و ۵۰۱ نفر، رتبه اول جمعیت استان را دارا است که در عین حال از لحاظ تنوع و تکثر قومیتی، مبتنی بر موضوع این مقاله، نیز قابل توجه و درخور مطالعه می‌باشد و همین تنوع و تکثر، در صورت سیاست‌گذاری‌های مطلوب و کلان‌فرهنگی، می‌تواند به‌مثابه یک پتانسیل عظیم فرهنگی در توسعه‌ی سیاسی و مدنی شهر لحاظ گردد. از سویی دیگر، مواجهه با مداومت گرایش‌های سنتی و الگوهای رفتاری قومیتی در فرهنگ، پژوهشگران این مقاله را بر آن داشت که چگونه می‌توان اثرپذیری فرهنگ سیاسی شهروندان کلان‌شهر اهواز را براساس مؤلفه‌های فرهنگی سنت‌گرایی و قوم‌گرایی، تبیین جامعه‌شناختی نمود. نظر به این که فرهنگ، شامل ارزش‌ها، هنجارها و نظام اعتقادات یک جامعه، اثر ژرفی بر رفتار دارد و از سویی، گرایش‌های سنتی و الگوهای رفتاری قومیتی، هنوز هم در تعیین فرهنگ سیاسی، به‌عنوان درک و تصور افراد جامعه، نسبت به سیاست

1. Almond, A. Gabriel
2. Sidney Verba
3. Lucian, Pye
4. *bingham, powell*
5. L., Diamond
6. R., Inglehart
- 7 Elazar, Daniel j

و روابط سیاسی مؤثر است. بنابراین آگاهی و شناخت نسبت به دانش، نگرش و ارزش‌های سیاسی شهروندان کلان‌شهر اهواز و این‌که تأثیرپذیری این عناصر، به‌عنوان اجزای فرهنگ سیاسی از قوم‌گرایی و سنت‌گرایی در این شهر، چگونه می‌باشد؟ سؤال اصلی و درعین حال انگیزه‌ی اصلی برای پژوهش حاضر شده است.

۲- ادبیات پژوهش

۲-۱- ادبیات تجربی

علمی (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی فرهنگ سیاسی روستاییان شهرستان ماکو» انجام داد. با توجه به نتایج حاصله، فرهنگ سیاسی روستاییان ماکو، ترکیبی از فرهنگ سیاسی انقبادی و فرهنگ سیاسی مشارکتی می‌باشد و به‌نوعی انقبادی - مشارکتی است. هم‌چنین با توجه آزمون‌های آماری t ، f و I پیرسون، بین فرهنگ سیاسی و دین‌داری، استفاده از رسانه‌های ارتباطی و تحصیلات روستاییان، ارتباط معناداری وجود داشته است و این سه متغیر به‌نوعی در فرهنگ سیاسی روستاییان تأثیرگذار بوده‌اند و دو متغیر درآمد و جنسیت، ارتباط معناداری با فرهنگ سیاسی روستاییان نداشته‌اند.

فاضلی و همکاران (۱۳۹۷)، پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر جهت‌گیری سیاسی» انجام دادند. هدف پژوهش، بررسی تأثیر ابعاد پایگاه اجتماعی - اقتصادی و ارزش‌های سنتی و بقاء بر جهت‌گیری سیاسی اقتدارگرایانه در بین شهروندان اهواز و یاسوج است. نتایج نشان داد، متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته تأثیر دارند و در مجموع، حدود ۴۱ درصد از واریانس آن را تبیین می‌کنند. از بین متغیرهای مستقل، ارزش‌های سنتی، بیش‌ترین تأثیر و بعد عینی پایگاه اجتماعی - اقتصادی، کم‌ترین تأثیر را دارند. تأثیر بعد ذهنی پایگاه اجتماعی - اقتصادی نیز معنادار نبود. نتایج تحلیل مسیر نیز نشان داد که بعد ذهنی پایگاه اجتماعی - اقتصادی، بیش‌ترین تأثیر را با ضریب مسیر ۰/۳۵۳- دارد و بعد از آن نیز به ترتیب متغیرهای ارزش‌های سنتی با ضریب ۰/۳۲۵، ارزش‌های بقاء با ضریب ۰/۲۷۱ و بعد عینی پایگاه اجتماعی - اقتصادی با ضریب ۰/۱۷۹- قرار دارند.

احمدی و مجیدی (۱۳۹۶)، پژوهشی با هدف «گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی

دانشجویان استان کردستان بر پایه متغیرهای اجتماعی- فرهنگی « انجام دادند. مطابق یافته‌های پژوهش، ۳۳/۷۲ درصد دانشجویان، فرهنگ سیاسی دموکراتیک، ۲۸ درصد فرهنگ سیاسی بی‌تفاوت، ۲۳ درصد فرهنگ سیاسی عمل‌گرا و ۱۶ درصد فرهنگ سیاسی محدود دارند. هم‌چنین، فرهنگ سیاسی با متغیرهای جامعه‌پذیری سیاسی، ارتباطات خانوادگی، اقتدارگرایی شخصیتی، جهت‌گیری مذهبی، سن، تحصیلات، محل اقامت و قومیت دانشجویان رابطه معناداری دارد.

احمدی (۱۳۹۰)، در مطالعه «رویکردهای قومی و گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی شهر سنندج»، مبتنی بر مطالعه اینگلهارت و ولزل به این نتیجه رسیده است که فرهنگ سیاسی مستعد دموکراسی در میان مردم ساکن شهر سنندج وجود داشته است. هم‌چنین، یافته‌های حاصل از پژوهش، نشان از اثر مثبت انتخاب رویکرد متساهلانه قومی در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی بر نوع دموکراتیک فرهنگ سیاسی داشته است.

افشانی و همکاران (۱۳۸۹)، پژوهشی تحت عنوان «توزیع اجتماعی نگرش‌های سیاسی نوگرا و سنت‌گرا در شهر یزد» انجام دادند. یافته‌های تحقیق نشان داد، بیشتر پاسخگویان، دارای نگرش سیاسی سنت‌گرا می‌باشند و یزد، اگر به لحاظ شاخص‌های متعارف اقتصادی- اجتماعی، از موقعیت مطلوبی برخوردار است، ولی به دلیل ساختار مذهبی و حفظ عناصر سنتی، به نظر می‌رسد، تفوق عنصر سنت بر مدرنیته (حداقل در زمینه نگرش سیاسی) هم‌چنان حفظ شده است. هم‌چنین افراد متأهل با توجه به تعلقات خانوادگی، از نظر سیاسی نسبت به جوانان، تمایل بیش‌تری به سنت‌گرایی و محافظه‌کاری تا نوگرایی سیاسی دارند.

احمدی (۱۳۸۷) پژوهشی با عنوان «میزان دموکراتیزه شدن فرهنگ سیاسی در میان شهروندان سنندجی و عوامل مؤثر بر آن» انجام داده است. رهیافت مرکزی که این نوشتار در چهارچوب نظری خویش از آن بهره برده است، نظریه‌ی فرهنگ سیاسی اینگلهارت و ولزل بود. یافته‌های پژوهش حاکی از وجود نوع فرهنگ سیاسی مستعد دموکراسی در میان مردم ساکن سنندج است.

سیونگ یو (۱۳۸۱)، پژوهشی با عنوان «پایداری فرهنگ سیاسی سنتی در برابر توسعه سیاسی ایران و کره» انجام داده است. یکی از مفروضات اصلی این پژوهش این بود که عملکرد هر نظام سیاسی با ارزش‌های سنتی پیوند عمیق دارد. سنت‌ها ابدی

نیستند، اما بسیار دیرپا و سخت‌جان هستند. حتی انقلاب‌ها نیز نمی‌توانند آن‌ها را به سرعت و به آسانی از میدان به در کنند. رفتار رهبران سیاسی، باورها و گرایش‌های توده‌های مردم در حجیت سیاسی، به میزان زیادی از الگوی حجیت سنتی تأثیر می‌پذیرد. بنابراین پژوهش در بعضی از مشخصات پایدار فرهنگ سیاسی سنتی برای شناخت فرایندهای سیاسی کنونی اهمیت اساسی دارد. شناخت رابطه قدرت و ارتباط با رفتار رهبران سیاسی و رویکردهای مردم از جمله مسائل مهم توسعه‌ی سیاسی است.

چاک (۲۰۱۴)، تحقیقی تحت عنوان «اسلام و فرهنگ سیاسی پاکستان» انجام داد. نتایج نشان داد که چالش عمده‌ی مشارکت مسلمانان، چگونگی آشتی مدرنیته و سنت است. رویکردهای سنتی و سکولار برای تطبیق مدرنیته و سنت موفق نبوده‌اند و در واقع باعث بی‌ثباتی شده‌اند و احتمال موفقیت رویکرد احیاگرانه، بیشتر است.

راک^۱ و همکاران (۲۰۰۸) در پژوهشی به بررسی فرهنگ سیاسی غرب جدید پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند با رهیافت تاریخی و براساس رویکرد منطقه‌گرایان، چگونگی تنوع نژادی، سرشار بودن حس غربی در منطقه، حضور قدرتمند حکومت فدرال و پیشینه تاریخی فردگرایی در طی چندین قرن، شناسایی شد. تفاوت‌های نژادی، تجربیات و فرهنگ‌های سیاسی متفاوتی را تولید کرده است.

سیلور^۲ و همکاران (۲۰۰۰) به بررسی رابطه بین فرهنگ سیاسی و قومیت پرداختند. میزان حساسیت ابعاد متفاوت فرهنگ سیاسی دموکراتیک با قومیت متفاوت است. تعدادی از معرف‌ها مثل؛ غرور و مباهات در کشور، اطمینان به نهادهای سیاسی و صلاحیت و کارایی ذهنی سیاسی، خیلی حساسیت بیش‌تری با قومیت دارند. هم‌چنین نگرش‌های سیاسی، اغلب بر اساس قومیت، قطب‌بندی می‌شوند.

۲-۲- ادبیات نظری

تعریف مفاهیم

فرهنگ سیاسی^۳: مفهوم فرهنگ سیاسی عبارت است از باورها، نگرش‌ها، ارزش‌ها،

1 Rock

2 Silver

3 Political Culture

ایده آل‌ها، احساسات و ارزیابی‌های افراد از نظام سیاسی و نقش خود این افراد در این نظام سیاسی (دایموند، ۱۹۹۳: ۷). بر اساس تعریفی دیگر از آلموند و وربا، فرهنگ سیاسی، شامل مجموعه‌ی باورهای سیاسی، ارزش‌های سیاسی، احساسات سیاسی و دانش سیاسی نسبت به چهار بعد از زندگی سیاسی است که همانا نظام به‌عنوان یک کل، دروندادها، برون‌دادها و خود به‌عنوان یک عضو از نظام سیاسی را شامل می‌شود. منظور از نظام، نظام سیاسی در شرایط کلی، تاریخ، اندازه، موقعیت، قدرت و ویژگی‌های ساختی آن است. دروندادها در نظر آلموند به معنای ساختارها، نقش‌ها، نخبگان سیاسی و کانال‌های مشارکت مثل احزاب و انجمن‌های سیاسی است و برون‌دادها در نظر وی به معنای سیاست‌گذاری‌ها و تصمیمات سیاسی، ساختارها و افراد مؤثر بر آن است. خود به‌عنوان یک عضو از نظام سیاسی به معنای حقوق، وظایف، قدرت‌ها و تعهدات فرد است. (آلموند و وربا، ۱۹۵۶: ۴۰۹) لوسین پای می‌گوید: «تصور ما از فرهنگ سیاسی بر این فرض مبتنی است که نگرش‌ها، احساسات و ادراکات حاکم بر رفتار سیاسی در هر جامعه، انبوهی از امور صرفاً تصادفی نیستند، بلکه نمایان‌گر الگوهای سازگاری هستند که با هم تناسب دارند و متقابلاً یکدیگر را تقویت می‌کنند. با وجود امکان بسیار زیاد پراکندگی در جهت‌گیری‌های سیاسی، فرهنگ سیاسی محدود و متمایزی در هر جامعه وجود دارد که به فرایند سیاسی معنا می‌بخشد و آن را شکل می‌دهد». (پای، ۱۳۷۰: ۳۹) نکته‌ی مشترک در همه‌ی این تعاریف، تأکیدشان بر نگرش‌ها، عقاید، افکار و اندیشه‌های افراد نسبت به نظام سیاسی و به‌طور کلی سیاست است، که بستر و الگویی را برای گرایش‌ها، جهت‌گیری‌ها و رفتارهای سیاسی آن‌ها فراهم می‌کنند. به‌عبارتی دیگر، فرهنگ سیاسی آن بخش از فرهنگ عمومی جامعه می‌باشد که به‌سوی سیاست و نظام سیاسی معطوف است و محتوای گرایش‌ها و رفتارهای سیاسی افراد را شکل می‌دهد.

- **قوم‌گرایی**^۱: قوم‌گرایی، به‌عنوان یک سازه‌ی جامعه‌شناختی، برای توصیف تضاد بین گروه‌ها و تبعیض اعضای درون گروه علیه اعضای سایر فرهنگ‌ها به کار می‌رود. در واقع جامعه‌شناسان، قوم‌گرایی را نگرش منفی افراد نسبت به سایر گروه‌ها، که متضمن دشواری در شناخت فرهنگ آن‌ها و درک تفاوت‌های فرهنگی است، قلمداد

1. Ethnicity

می‌کنند، که متفاوت از نژادپرستی و تبعیض آشکار است. در مجموع اساساً اشاره به قضاوت یک گروه از نقطه‌نظر فرهنگ خودی به سایر گروه‌هاست. این اصطلاح برای اولین بار توسط ویلیام گراهام سامنر، برای توصیف این دیدگاه که فرهنگ خودی می‌تواند، نقش محوری و مرکزی در برابر نقش غیراساسی و کم‌اهمیت سایر فرهنگ‌ها و سنن مذهبی داشته باشد، در تحقیقات علوم اجتماعی مورد استفاده قرار گرفت (هوگه^۱، ۲۰۰۸:۱).

جیمز کلاس، نیز تعریف تقریباً مشابهی ارائه می‌دهد. به نظر او قوم‌گرایی عبارت است از: «احساس تعلق یک فرد، به یک قوم و برتر دیدن خویش، به‌ویژه زمانی که وی احساس کند، حقوقش ضایع شده است، و این امر به تلاش وی برای کسب آنچه از دست داده است، منجر می‌شود» (کلاس^۲، ۲۰۰۴:۳). با توجه به تعاریف بالا می‌توان گفت: «قوم‌گرایی، یک وضعیت یا حالت روانی است که هم‌زمان دارای نتایج مثبت و منفی می‌باشد، به طوری که از یک طرف به‌مثابه‌ی نوعی میهن‌پرستی و تمایل به فداکاری یا ایثار برای درون گروه، در خدمت آن بوده». (نئولپ و مک کروسکی^۳، ۱۹۹۷:۳۸۹) و به ساخت و حفظ هویت فرهنگی فرد کمک می‌کند (چن و استراوستا^۴، ۲۰۰۴)، و از طرف دیگر منجر به سوء تفاهم‌ها (نئولپ و مک کروسکی، ۱۹۹۷) و کاهش تمایل به برقراری ارتباط بین فرهنگی با دیگران می‌شود. (لین و رانسر^۵، ۲۰۰۳)

- **سنت‌گرایی**^۶: در ادبیات علوم اجتماعی، سنت را شامل مجموعه‌ای از ذهنیت‌ها و ایده‌هایی دانسته‌اند که بار معنایی ویژه‌ای دارند، منشأ در گذشته دارند، در جامعه عمومیت دارند، بیش از یک نسل را شامل می‌شوند و مبنای عمل و رفتار قرار می‌گیرند. (غفاری و ابراهیمی لویه، ۱۳۸۴:۲۱۴)

سنت‌گرایی، نمودار گرایشی آگاهانه‌ای است، که عده‌ای در غرب از ابتدای قرن بیستم در برابر مدرنیته و جهت برون‌رفت از بحران‌های ناشی از آن، سامان دادند. این

1. Hooghe

2. kellas

3. Neuliep & McCroskey

4. Chen, & Starosta

5. Lin & Rancer

6. Traditionalism

جریان با «رنه گنون»^۱ فرانسوی آغاز شد و سپس به دست دیگر سنت‌گرایان تکمیل گردید. در ایران، در زمینه چگونگی رویارویی با مدرن و رابطه سنت و مدرن، نگرش‌های متفاوتی ارائه شده است. از قبیل؛ معتقدان به تعارض سنت و نو و در این میان اهمیت دادن به سنت، به‌عنوان هویت، قائلین به تقلید از نو و کنار گذاشتن سنت‌ها به‌عنوان جریان‌های فکری غرب‌زده، معتقدان به انطباق دادن و تطبیق سنت و مدرن و گروه‌های فکری که به دنبال این همانندسازی بودند و درنهایت قائلین به تأسی که نگاهی انتقادی و درعین‌حال غیرانفعالی داشتند. این گروه هم به مباحث سنت توجه داشتند، هم نقد مدرن می‌کردند و مهم‌تر، اعتقاد به تأسی نو با توجه به دین و میراث‌های خودمان دارند.

درواقع سنت‌گرایی به معنای عام، هرگونه عکس‌العملی نسبت به پدیدارهای دنیای مدرن را شامل می‌شود که داعیه و سودای بازگشت به جهان سنتی دارد که با اغماض شاید بتوان، آن را سنتی بودن نیز نامید، اما سنت‌گرایی به معنای خاص، جنبشی فکری است که متأثر از آرای رنه گنون، آناندا کی کوماراسوامی، فریتيوف شوان است. شیلز، کنش مبتنی بر جهت‌گیری سنت‌گرایی را چنین تعریف می‌کند: «حالتی که در آن ما نسبت به هنجارهای سنتی، نوعی تصدیق و تأیید عمدی و آگاهانه پیدا می‌کنیم و به ماهیت سنتی آن‌ها، آگاهی کامل داریم و دلیل می‌آوریم که امتیاز آن‌ها به سبب آن است که تفویض سنتی‌شان از یک جهت‌گیری مقدس ناشی می‌شود». (بک و همکاران، ۱۹۹۴: ۶۹) به تأسی از سنت‌گرایی، به معنای عام و به فراخور موضوع، یعنی اثرپذیری فرهنگ سیاسی از سنت‌گرایی، اصطلاح سنت‌گرایی سیاسی هم قابل توجه می‌باشد. سنت‌گرایی سیاسی، متمرکز بر اجتماع سیاسی و باورها و ارزش‌های آن اجتماع است که عادات و آداب‌ورسوم رفتاری افراد در آن اجتماع را به‌عنوان اشخاص سیاسی مطالعه می‌کند. سنت سیاسی، چگونگی عمل به ضوابط و چگونگی رفتار فرمان‌برداران را در قبال حکومت‌کنندگان مشخص می‌کند. (عابدی اردکانی، ۱۳۸۱: ۶۰) سنت‌گرایی سیاسی، حاکی از آن است که افراد جامعه، کم‌تر گرایش به تفکر راه‌جویی مدبرانه دارند، بلکه بیش‌تر منفعلانه، تسلیم محیط می‌شوند. کسانی که دارای نگرش سیاسی

^۱ Rene guenon

سنت‌گرا هستند، مخالف دگرگونی در روابط و گرایش‌های سیاسی کنونی هستند و یا خواستار خنثی شدن بعضی دگرگونی‌ها و بازگشت به گذشته‌اند.

سنت‌گرایان در نقد تکنولوژی، قائل به این مسأله هستند که گسترش تکنولوژی، از رهاوردهای مدرن، سبب تغییر ساختار اجتماعی و فرهنگی می‌شود. به این معنی که ساختارهای قدرت به وسیله ابزار تکنولوژیک، چارچوب فرهنگی جامعه را دگرگون می‌کند. (مردمی، ۱۳۹۵: ۸۸) بنابراین سنت‌گرایی، را از پابندی به آداب و رسوم و سنن کهن حاکم بر منطقه، شهر و نیز احترام به ارزش‌های سنتی و رجوع به سنت‌های گذشته، به عنوان راه حل مشکلات خود می‌نگرند. (پالمر و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۸)

چارچوب نظری

آنچه اساس یک مطالعه‌ی اجتماعی را تعیین می‌کند، چارچوب نظری است. بر پایه‌ی چارچوب نظری، پژوهشگران، در واقع، یک زاویه‌نگرش برای خود انتخاب می‌کنند. به عبارت دیگر، از طریق چارچوب نظری می‌توان مشخص کرد، که بر روی چه نکاتی باید تأکید کرده و چگونه پدیده موردنظر را مطالعه کرد. (لهسای زاده، ۱۳۸۳: ۲۳)

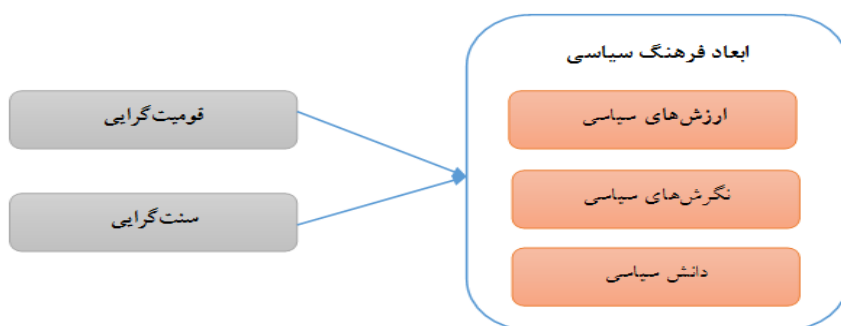
نظریه، کار ویژه‌های ارزشمندی را در تلاش برای فهم شیوه‌ای که جهان اجتماعی کار می‌کند، فراهم می‌سازد. اول این که نظریه، برخی جنبه‌های جهان را «نزدیک‌نمایی» می‌نماید و در مورد این که چه چیزی باید جست‌وجو شود، راهنمایی می‌کند. دوم این که نظریه به عنوان یک نظام فهرست‌سازی عمل می‌کند، یعنی چارچوبی که در آن می‌توان مشاهدات از واقعیت را جای داد. سوم این که نظریه می‌تواند الگوهای فکری را توسعه دهد. نظریه‌ها، معمولاً به گونه‌ای انتزاعی بیان می‌گردند تا تجربه را فشرده و منظم نموده و به ما اجازه دهند تا دریافتی منسجم از اجزای متعدد اطلاعات داشته باشیم و بالاخره این که نظریه در یک کلیت پیچیده، مجموعه‌ای از ایده‌ها و فرضیه‌ها را با یکدیگر مرتبط می‌سازد. (مارش و استوکر، ۱۳۹۵: ۴۴-۴۳)

در تحلیل و تبیین پدیده فرهنگ سیاسی و متغیرهای اثرگذار بر آن، نظریه‌ها و دیدگاه‌های متنوع و متکثری بیان شده است. به نحوی که هر کدام از رهیافت‌های نظری، از زاویه‌ای خاص به فرهنگ سیاسی پرداخته‌اند و به نظر می‌رسد که هیچ نظریه‌ای نمی‌تواند به طور کامل، همه ابعاد فرهنگ سیاسی را تحلیل و بررسی کند. بنابراین لازم است، برخلاف بسیاری از پژوهش‌های انجام‌شده که تنها بر نظریات یکی از جامعه‌شناسان

تأکید کرده‌اند و چارچوب نظری خود را بر آن بنا نموده‌اند، چندین دیدگاه مختلف (روش ترکیبی) را بررسی کرد، تا تمامی ابعاد پدیده، مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد. بنابراین، در اینجا، به نظر می‌رسد، که راه رسیدن به این هدف، تلاش برای آمیختن نظریه‌های موجود می‌باشد، که بر توانایی‌های نسبی یکدیگر بنا شده‌اند و توانایی تبیین خود را افزایش می‌دهند. هرچند لازم به ذکر است که در پژوهش حاضر، آراء اینگلهارت، چون ماحصل دیدگاه‌های قبلی به‌ویژه در حوزه مکتب نظم است و جدیدترین رویکرد به فرهنگ سیاسی است که با توجه به تحولات فرهنگی جهان مدرن ارائه شده است، مبنای نظری غالب در تبیین فرهنگ سیاسی جامعه مورد مطالعه انتخاب شده است. دیدگاه رونالد اینگلهارت، دارای کاستی‌هایی است که در پژوهش حاضر کوشش می‌شود با تلفیق دیدگاه اندیشمندان دیگر، چارچوب نظری مناسب‌تری تدوین شود.

الگوی مفهومی پژوهش

در پژوهش حاضر، الگوی مفهومی زیر جهت تبیین جامعه‌شناختی اثرپذیری فرهنگ سیاسی بر اساس مؤلفه‌های قوم‌گرایی و سنت‌گرایی در بین شهروندان کلان‌شهر اهواز، ترسیم شده است. متغیر وابسته پژوهشی در سه بعد؛ ارزش‌های سیاسی، نگرش‌های سیاسی و دانش سیاسی تئوریزه شده است و تعیین‌کننده‌های فرهنگی اثرگذار، در قالب دو مؤلفه کلیدی؛ قوم‌گرایی و سنت‌گرایی در مدل اولیه پژوهش برای تبیین فرهنگ سیاسی جمعیت مورد مطالعه (کلان‌شهر اهواز) ارائه می‌گردد.



شکل شماره ۱: الگوی مفهومی پژوهش

در این پژوهش، فرضیه‌های زیر مورد آزمون قرار گرفته‌اند:
فرضیه‌ی اول: به نظر می‌رسد، قوم‌گرایی بر ابعاد فرهنگ سیاسی در کلان‌شهر اهواز مؤثر است.

آلموند و وربا در مطالعات خویش، به این نتیجه رسیدند که جهت‌گیری‌های سیاسی با نوع گروه‌های قومی رابطه دارد. (آلموند و وربا، ۱۹۶۳) الازار در تئوری منطقه‌گرایی، معتقد به این است: هر یک از خرده‌فرهنگ‌های مناطق مختلف، یک سری ارزش‌های مختص خویش دارند که در خلق شکل‌های خاص سیاست، نقش دارند و قومیت، متغیر کلیدی برای تبیین فرهنگ سیاسی منطقه‌ای می‌باشد. (هندرسون^۱، ۲۰۰۷) با این که الازار، نقشه‌ی فرهنگ سیاسی ایالات متحده آمریکا را بر اساس ایالات ترسیم می‌کند و اعتقاد دارد که فرهنگ سیاسی این کشور، دارای تنوع سه‌گانه (اخلاق‌گرا، فردگرا و سنتی) بر اساس مناطق جغرافیایی می‌باشد، ولی واقعیت این است که این تنوع ناشی از تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی (مهاجرت، مذهب، قومیت، برده‌داری) می‌باشد. سیلور و همکاران، رویکرد نظری اهمیت قومیت در تنوع ارزش‌های سیاسی را در مباحث سیاسی و به‌ویژه پذیرش یا رد ارزش‌های سیاسی دموکراتیک مطرح کرده‌اند. (سیلور و همکاران، ۲۰۰۰: ۶۷) آن‌ها بر این باورند که هویت‌های قومی، آلترناتیو اصلی برای وابستگی‌های ملی بوده و محتمل‌ترین منبع تنوع سیستماتیک در فرهنگ سیاسی هر کشوری به شمار می‌آیند و چنین نتیجه می‌گیرند که «تأثیر میزان توافق بر ارزش‌های سیاسی بنیادی میان اعضای گروه‌های مختلف قومی در جوامع چندقومی بر نحوه‌ی عملکرد نهادهای دموکراتیک و نیز فرایند دموکراتیزاسیون جوامع در حال گذار، احتمالاً بسیار مهم باشد». (سیلور و همکاران، ۲۰۰۰: ۶۹) ویلیام ریسینگر در مطالعه‌ای با عنوان رنسانس فرهنگ سیاسی (۱۹۹۵)، معتقد است: نوع فرهنگ سیاسی شهروندان در جوامع چند قومی و چند فرهنگی، از هویت قومی و فرهنگی شهروندان تأثیر بسیاری می‌پذیرد. شیلز، معتقد است که قومیت در جوامع مدرن، هم‌چنان به حیات خود ادامه می‌دهند و هویت قومی به‌عنوان یک عامل تهدیدکننده‌ی دولت‌های مدرن در دست‌یابی به نفوذ معرفی می‌کند. لوسین پای، در بحث توسعه‌یافتگی سیاسی معتقد است که دو بحران

¹ Henderson

هویت و ادغام، در جوامع چند قومی بیشتر موضوعیت را دارد. (حسین پناهی، ۱۳۹۶) فرضیه‌ی دوم: به نظر می‌رسد، سنت‌گرایی بر ابعاد فرهنگ سیاسی در کلان‌شهر اهواز مؤثر است.

آلموند و پاول، در دسته‌بندی فرهنگ‌های سیاسی، در کنار فرهنگ سیاسی نخبگان (مدرن)، از فرهنگ سیاسی سنتی، یاد می‌کنند (آلموند پاول، ۱۳۷۵) و با استعانت از متغیرهای الگویی پارسونز، در تئوری توسعه‌ی سیاسی معتقدند: در اجتماعات سنت‌گرا، افراد کم‌تر گرایش به تفکر و یا راه‌جویی مدبرانه دارند، بلکه بیش‌تر منفعلانه، تسلیم محیط می‌شوند. در مقابل نوگرایی، انسانی که سنت‌گراست، فاقد روحیه‌ی فایده‌مندی است و منفعلانه خود را تسلیم سرنوشت می‌نماید و از نوآوری و تغییرات، اعم از فرهنگی و سیاسی می‌هراسد و به جهان خارج، ناآشنا و بی‌اعتماد است و روابطش با دیگران براساس سنت طبقاتی و سلسله‌مراتب گذشته می‌باشد. (سیف زاده، ۱۳۷۳: ۱۲۲-۱۲۱) پای در تبیین جایگاه سنت‌ها، در شکل‌دهی فرهنگ سیاسی، بیان می‌کند که فرهنگ سیاسی سنتی در برخی جوامع، شرایطی آماده را برای تکامل دمکراتیک فراهم آورده است، در صورتی که در دیگر جوامع، تمایلات موجود بیش‌تر با روش‌های اقتدارطلب سازگار بوده است. بنابراین مشکلات توسعه از نگاه فرهنگ سیاسی، کم‌تر با حذف آشکار الگوها و ارزش‌ها کهنه و بیش‌تر با کشف موفقیت‌آمیز چگونگی مشارکت و سهم سنت‌ها در تحقق اهداف ملی و نه میزان ممانعت آن‌ها ارتباط دارد، بنابراین توسعه‌ی سیاسی مؤثر، مستلزم یافتن جایگاهی مناسب برای بسیاری از ملاحظات سنتی در طرح نوین امور است. (پای، ۱۳۷۰: ۴۴) ادل من، در رهیافت فرهنگ سیاسی و نمادگرایی سیاسی، بیان می‌کند: «اسطوره‌ها نیز به‌مثابه‌ی نمادها بر رفتار سیاسی اثر می‌گذارند. اسطوره‌ها در نقش حافظ سنت‌ها، مناسک و جامعه‌پذیری جوانان نقش آفرینی می‌کنند.» (قیصری و شکوری، ۱۳۸۰: ۴۱)

۳- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع کمی و از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، پیمایشی می‌باشد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته است و جهت اطمینان، از اعتبار صوری استفاده شده است. داده‌های موردنیاز برای آزمون فرضیه‌ها و مدل نظری پژوهش از طریق

پرسشنامه جمع‌آوری گردیده و برای تدوین مبانی نظری تحقیق، چهارچوب نظری، ادبیات و پیشینه‌ی تحقیق نیز از روش اسنادی به‌عمل آمده است. جمعیت آماری پژوهش حاضر، شامل کلیه‌ی افراد ۱۸ تا ۶۵ سال مناطق مختلف شهر اهواز در پاییز سال ۱۳۹۹ می‌باشد. طبق داده‌های حاصل از سرشماری، جمعیت ۱۸ سال تا ۶۵ سال شهر اهواز تقریباً برابر با ۷۸۱۰۹۱ می‌باشد که طبیعتاً برای دستیابی به نظرات آن‌ها، بایستی به نمونه‌ای معرف دست یافت. با توجه به این که جامعه نامحدود می‌باشد از فرمول کوکران برای تعیین حجم نمونه استفاده شد که تعداد نمونه ۳۸۴ نفر به دست آمد و از نمونه‌گیری سهمیه‌ای و سپس تصادفی طبقه‌ای استفاده شده است. پرسشنامه‌ی استفاده‌شده برای این پژوهش تشکیل یافته از ۵۴ سؤال است که بر اساس مقیاس ترتیبی و طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت تنظیم شده است. جهت بررسی فرضیات پژوهش از معادلات ساختاری به کمک نرم‌افزار AMOSE استفاده گردیده است. جهت محاسبه‌ی ضریب پایایی پرسشنامه و اطمینان از هماهنگی درونی ابزار اندازه‌گیری تحقیق، از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره‌ی ۱، ارائه شده است. لازم به ذکر است که آلفای کرونباخ کل متغیرهای این پرسشنامه، بیشتر از ۰/۷ می‌باشد.

جدول شماره‌ی ۱: پایایی سؤالات مربوط به متغیرهای پژوهش
متغیر مقدار آلفا

۰/۷۳	ارزش‌های سیاسی	فرهنگ سیاسی
۰/۸۶	نگرش‌های سیاسی	
۰/۸۹	دانش سیاسی	
۰/۸۱	قوم‌گرایی	
۰/۷۱	سنت‌گرایی	

انتخاب شهر اهواز به‌عنوان جامعه‌ی آماری بدین خاطر هست که این شهر مرکز استان می‌باشد و تنوع و تکثر قومیتی در این شهر از یک‌سو، و از سوی دیگر از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون، شاهد مشارکت‌های سیاسی گسترده و تأثیرگذار در این شهر می‌باشیم. که آثار و پیامدهای آن را در بسیاری از شهرهای استان می‌توان مشاهده نمود.

به دنبال آن با توجه به اهمیت و گسترش نقش سیاسی شهروندان، می‌توان گرایش‌های مختلف در این باره را در این شهر، شاهد بود. در خصوص در نظر گرفتن سن شروع ۱۸ سال، برای نمونه تحقیق می‌توان بیان نمود که با توجه به زمان مسؤلیت پذیری و توانایی اجتماعی - روانی جوانان و نیز لزوم توجه به تجربه‌ی جهانی، اهمیت موضوع فرهنگ سیاسی و به تبع آن مشارکت سیاسی شهروندان و...، این سن به عنوان نقطه‌ی شروع در نظر گرفته شده است. شهر اهواز، مرکز استان خوزستان، با مساحت تقریبی ۲۲۰ کیلومتر مربع، وسیع‌ترین شهر استان می‌باشد. موقعیت این شهر از نظر جغرافیایی در ۳۱ درجه و ۲۰ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ دقیقه طول شرقی قرار گرفته است و در جلگه‌ای با ارتفاع ۱۸ متر از سطح دریا قرار دارد. (جوکار، ۱۳۹۰: ۶۶) این شهر دارای ۸ منطقه شهرداری است که هر یک دارای سه یا چهار ناحیه می‌باشند. (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۴: ۳) شهر اهواز بر اساس سرشماری ۱۳۹۰، ۲۴٪ از جمعیت کل استان و ۳۳/۸۸٪ از جمعیت شهری استان را تشکیل می‌دهد. (نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۰) ضمناً جمعیت کلان‌شهر اهواز، مطابق سرشماری سال ۱۳۹۵، ۱۱۸۴۷۸۸ نفر اعلام شده است (آمارنامه کلان‌شهر اهواز، ۱۳۹۵: ۲۴) که در جدول شماره‌ی (۱) جمعیت ۱۸ تا ۶۵ سال سن کلان‌شهر اهواز به تفکیک مناطق در سال ۱۳۹۵ آمده است. هم‌چنین در شکل (۱) نیز موقعیت جغرافیایی مناطق هشت‌گانه‌ی اهواز نشان داده شده است.

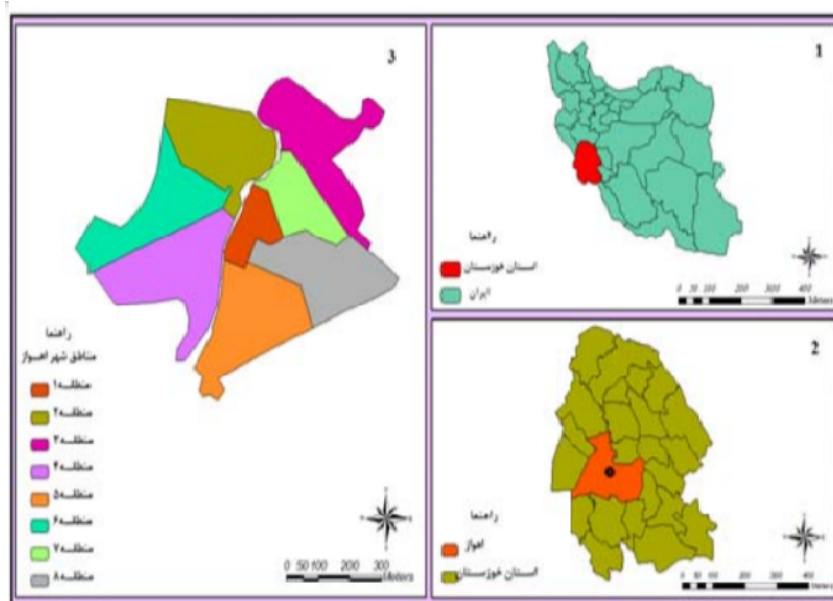
جدول شماره‌ی ۲: تعداد جمعیت ۱۵ تا ۶۵ سال شهر اهواز به تفکیک مناطق شهری

مجموع	تعداد زنان	تعداد مردان	منطقه‌ی شهری
۹۲۸۶۲	۴۶۹۹۷	۴۵۸۶۵	منطقه‌ی یک
۷۴۴۰۷	۳۷۷۳۸	۳۶۶۶۹	منطقه‌ی دو
۱۱۷۲۴۳	۶۱۶۱۰	۵۵۶۳۳	منطقه‌ی سه
۱۰۴۷۰۵	۵۳۴۷۴	۵۱۲۳۱	منطقه‌ی چهار
۶۶۵۹۲	۳۲۴۸۶	۳۴۱۰۶	منطقه‌ی پنج
۱۰۲۰۱۳	۵۱۱۶۲	۵۰۸۵۱	منطقه‌ی شش
۹۵۹۷۵	۴۴۸۷۹	۵۱۰۹۶	منطقه‌ی هفت

تبیین جامعه‌شناختی اثرپذیری فرهنگ سیاسی شهروندان کلان‌شهر اهواز.....

۱۲۷۲۹۴	۶۳۵۷۴	۶۳۷۲۰	منطقه‌ی هشت
۷۸۱۰۹۱	۳۹۱۹۲۰	۳۸۹۱۷۱	جمع

مأخذ: جمع‌بندی نگارنده از (آمارنامه کلان‌شهر اهواز، ۱۳۹۷: ۲۴)



شکل شماره ۲: موقعیت جغرافیایی مناطق هشت‌گانه‌ی شهر اهواز

۴- تحلیل تجربی

یافته‌های توصیفی

نتایج حاصل از بررسی وضعیت جمعیت شناختی نمونه‌ی موردبررسی (۳۸۴) نشان می‌دهد که ۰/۴۸ درصد از نمونه‌ی موردبررسی را آقایان و ۰/۵۲ را خانم‌ها تشکیل می‌دهند. بیشترین فراوانی تحصیلی مربوط به پاسخگویان با مدرک تحصیلی لیسانس با ۰/۳۶ درصد و هم‌چنین از نظر گروه سنی نیز افراد بین ۴۰ تا ۴۹ سال ۰/۳۳ دارای بیشترین فراوانی می‌باشند، در خصوص ویژگی وضعیت تأهل، نیز بیشترین فراوانی مربوط به متأهلین با ۰/۷۲ درصد بوده و درنهایت بیشترین فراوانی در وضعیت اشتغال با ۰/۶۶ درصد متعلق به شاغلین می‌باشد.

با توجه به این که تعداد سؤالات مربوط به عوامل فرهنگی با هم متفاوت بود و به منظور فراهم کردن امکان مقایسه بین متغیرها در محاسبه‌ی آمار توصیفی، نمره‌ی پاسخگویان در هر متغیر بر تعداد سؤالات تقسیم شد تا دامنه‌ی نمرات بین ۵ تا ۱ باشد. جدول شماره‌ی ۳: میانگین و انحراف استاندارد عوامل فرهنگی را به تفکیک جنسیت نشان می‌دهد.

جدول شماره‌ی ۳: میانگین و انحراف استاندارد عوامل فرهنگی به تفکیک جنسیت

عوامل فرهنگی	زن		مرد		کل	
	SD	\bar{x}	SD	\bar{x}	SD	\bar{x}
قوم‌گرایی	۰/۸۴	۳/۲۵	۰/۸۹	۳/۳۷	۰/۸۷	۳/۳۱
سنت‌گرایی	۰/۸۴	۳/۰۳	۰/۸۲	۳/۱۲	۰/۸۳	۳/۰۷

فرهنگ سیاسی به عنوان متغیر وابسته‌ی این پژوهش، دارای سه بعد اصلی بود: ارزش‌های سیاسی، نگرش‌های سیاسی و دانش سیاسی. برای ارزش‌های سیاسی، سه خرده ابعاد مدارا، دل‌بستگی و عدالت در نظر گرفته شد. نگرش‌های سیاسی نیز شامل باورها و احساسات سیاسی بود. برای دانش سیاسی ابعاد خاصی در نظر گرفته نشد. با توجه به اینکه تعداد سؤالات مربوط به ابعاد فرهنگ سیاسی با هم متفاوت بود و به منظور فراهم کردن امکان مقایسه بین متغیرها، قبل از محاسبه‌ی آمار توصیفی، نمره‌ی پاسخگویان در هر متغیر بر تعداد سؤالات تقسیم شد تا دامنه‌ی نمرات بین ۵ تا ۱ باشد. جدول شماره‌ی ۴: میانگین و انحراف استاندارد مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی را به تفکیک جنسیت نشان می‌دهد.

جدول شماره‌ی ۴: میانگین و انحراف استاندارد ابعاد فرهنگ سیاسی به تفکیک جنسیت

مدارا	زن		مرد		کل	
	SD	\bar{x}	SD	\bar{x}	SD	\bar{x}
	۰/۷۲	۳/۵۷	۰/۶۹	۳/۷۰	۰/۷۱	۳/۶۳

تبیین جامعه‌شناختی اثرپذیری فرهنگ سیاسی شهروندان کلان‌شهر اهواز.....

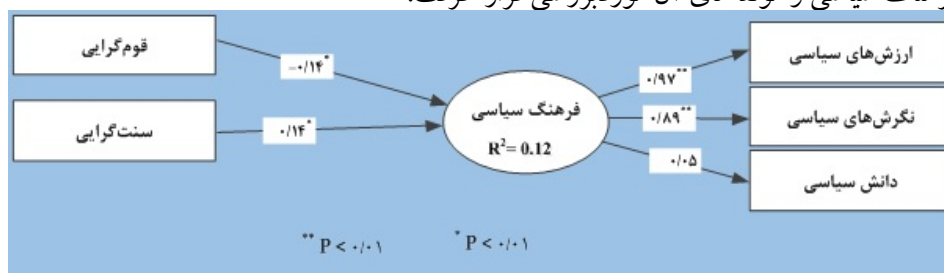
۰/۶۹	۴/۲۲	۰/۷۴	۴/۱۶	۰/۶۴	۴/۲۷	دل‌بستگی
۰/۸۵	۴/۳۳	۰/۸۶	۴/۳۵	۰/۸۴	۴/۳۰	عدالت
۰/۴۹	۳/۹۹	۰/۴۹	۳/۹۹	۰/۵۰	۳/۹۸	ارزش‌های سیاسی (کل)
۰/۷۳	۲/۶۴	۰/۷۱	۲/۶۷	۰/۷۴	۲/۶۲	باورهای سیاسی
۰/۶۹	۲/۸۰	۰/۷۲	۲/۷۹	۰/۶۵	۲/۸۰	احساسات سیاسی
۰/۶۴	۲/۷۱	۰/۶۳	۲/۷۲	۰/۶۶	۲/۶۹	نگرش‌های سیاسی (کل)
۰/۷۶	۳/۳۹	۰/۸۰	۳/۳۷	۰/۷۱	۳/۲۲	دانش سیاسی
۰/۳۱	۲/۶۸	۰/۳۱	۲/۷۰	۰/۳۲	۲/۶۷	فرهنگ سیاسی (کل)

برخی از یافته‌های قابل توجه جدول بالا، به شرح ذیل است:
 میانگین مدارای سیاسی در مردان و میانگین دل‌بستگی سیاسی در زنان بالاتر است.
 میانگین دانش سیاسی در مردان بالاتر است.
 در سایر موارد بین مردان و زنان تفاوت زیادی مشاهده نمی‌شود.
 در کل نمونه مورد بررسی، میانگین عدالت و دل‌بستگی بالاتر از مدارا است.
 در کل نمونه مورد بررسی، میانگین احساسات سیاسی بالاتر از باورهای سیاسی است.
 میانگین ارزش‌های سیاسی، بالاتر از نگرش‌های سیاسی است. میانگین دانش سیاسی، کمتر از میانگین ارزش‌ها و نگرش‌های سیاسی است.

یافته‌های استنباطی (بررسی فرضیه‌های پژوهش)

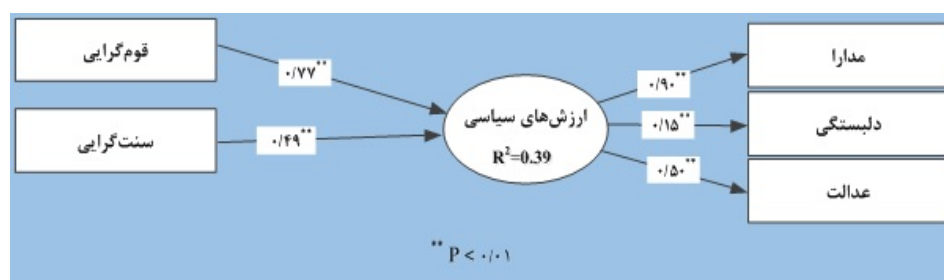
به‌منظور بررسی فرضیه‌های اول و دوم پژوهش در خصوص تأثیر متغیرهای قوم‌گرایی و سنت‌گرایی، بر فرهنگ سیاسی شهروندان کلان‌شهر اهواز، از مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. با توجه به این که امکان گنجاندن هر دو عامل در یک مدل وجود داشت و در نظر گرفتن این که بررسی مستقل این مؤلفه‌ها ممکن بود منجر به بیش‌برآورد در یافته‌ها شود، هر دو متغیر در یک مدل مورد بررسی قرار گرفتند و تأثیر آن‌ها بر

فرهنگ سیاسی و مؤلفه‌های آن مورد بررسی قرار گرفت.



نمودار ۱: مدل مسیر پیش‌بینی فرهنگ سیاسی بر اساس قومیت‌گرایی و سنت‌گرایی

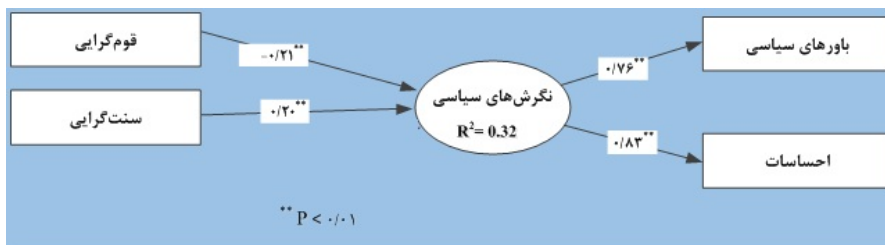
همان‌گونه که در شکل بالا ملاحظه می‌شود، از بین دو متغیر قوم‌گرایی و سنت‌گرایی، متغیر سنت‌گرایی با فرهنگ سیاسی رابطه‌ی مثبت و قوم‌گرایی با فرهنگ سیاسی رابطه‌ی منفی معنی‌داری دارند. مقدار ضریب استاندارد برای سنت‌گرایی ۰/۱۴ و مقدار ضریب استاندارد برای قوم‌گرایی -۰/۱۴ بود. در نتیجه رابطه‌ی قوم‌گرایی و سنت‌گرایی با فرهنگ سیاسی در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار بود.



نمودار ۲: مدل مسیر پیش‌بینی ارزش‌های سیاسی بر اساس متغیرهای قوم‌گرایی و سنت‌گرایی

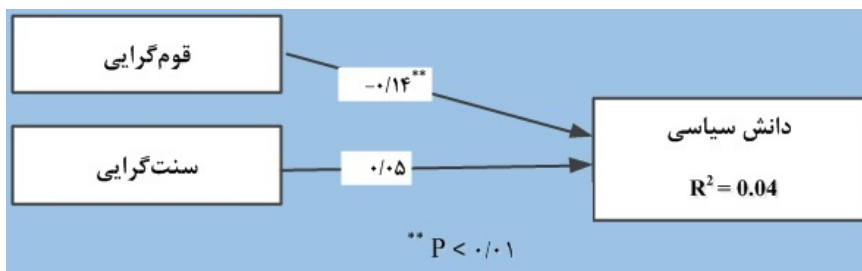
همان‌گونه که در شکل بالا ملاحظه می‌شود، سنت‌گرایی و قوم‌گرایی با ارزش‌های سیاسی رابطه‌ی مثبت معنی‌داری دارند. مقدار ضریب استاندارد برای سنت‌گرایی ۰/۴۹ و مقدار ضریب استاندارد برای قوم‌گرایی ۰/۷۷ بود. رابطه‌ی این دو متغیر با ارزش‌های سیاسی در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار بود.

تبیین جامعه‌شناختی اثرپذیری فرهنگ سیاسی شهروندان کلان‌شهر اهواز.....



نمودار ۳: مدل مسیر پیش‌بینی نگرش‌های سیاسی بر اساس متغیرهای قومیت‌گرایی و سنت‌گرایی

همان‌گونه که در شکل بالا ملاحظه می‌شود، متغیر سنت‌گرایی با نگرش‌های سیاسی رابطه‌ی مثبت و قوم‌گرایی با نگرش‌های سیاسی رابطه‌ی منفی معنی‌داری دارند. مقدار ضریب استاندارد برای سنت‌گرایی ۰/۲۰ و مقدار ضریب استاندارد برای قوم‌گرایی ۰/۲۱- بود. رابطه‌ی متغیرهای قومیت‌گرایی و سنت‌گرایی با نگرش‌های سیاسی در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار بود.



نمودار ۴: مسیر پیش‌بینی دانش سیاسی بر اساس متغیرهای قوم‌گرایی و سنت‌گرایی

همان‌گونه که در شکل بالا ملاحظه می‌شود، تنها متغیر قوم‌گرایی، پیش‌بین منفی و معنی‌داری برای دانش سیاسی بود که مقدار ضریب استاندارد این رابطه ۰/۱۴- و سطح معنی‌داری آن برابر با ۰/۰۱ بود. و متغیر سنت‌گرایی رابطه‌ی معنی‌داری با دانش سیاسی ندارد.

- بررسی فرضیه‌ی اول پژوهش: به نظر می‌رسد، قوم‌گرایی بر ابعاد فرهنگ سیاسی در کلان‌شهر اهواز مؤثر است.

با توجه به تحلیل‌های انجام‌شده، در این بخش اطلاعات مربوط به فرضیه‌ی اول پژوهش در خصوص تأثیر قوم‌گرایی بر فرهنگ سیاسی استخراج و در جدول شماره ۵، گزارش شده‌اند.

جدول شماره ۵: ضرایب مسیر غیراستاندارد، استاندارد، مقدار تی و سطح معنی‌داری مربوط به فرضیه‌ی اول پژوهش

متغیر پیش‌بین	متغیرهای ملاک	B	β	S.E	T	P
قوم‌گرایی	فرهنگ سیاسی	-۰/۰۲	-۰/۱۴	۰/۰۳	-۱/۷۱	۰/۰۵
	ارزش‌های سیاسی	۱/۰۰	۰/۷۷	۰/۰۵	۱۲/۴۸	۰/۰۰۰۱
	نگرش‌های سیاسی	۰/۵۳	۰/۱۵	۰/۱۶	۳/۳۰	۰/۰۰۰۱
	دانش سیاسی	-۰/۱۴	۰/۰۷	-۰/۱۴	-۲/۱۴	۰/۰۳

با توجه به نتایج موجود در جدول بالا، می‌توان نتیجه گرفت که قوم‌گرایی بر فرهنگ سیاسی و مؤلفه‌های آن اثرگذار است. در ضمن رابطه‌ی قوم‌گرایی با فرهنگ سیاسی و دانش سیاسی منفی و با ارزش‌ها و نگرش‌های سیاسی مثبت است. قوم‌گرایی، قوی‌ترین پیش‌بین ارزش‌های سیاسی است که مقدار ضریب استاندارد آن ۰/۷۷ است. تأثیر قوم‌گرایی بر ارزش‌ها و نگرش‌های سیاسی در سطح ۰/۰۱ و تأثیر قوم‌گرایی بر فرهنگ و دانش سیاسی در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار بود. بنابراین فرضیه‌ی اول پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد.

- بررسی فرضیه‌ی دوم پژوهش: به نظر می‌رسد، سنت‌گرایی بر ابعاد فرهنگ سیاسی در کلان‌شهر اهواز مؤثر است.

با توجه به تحلیل‌های انجام‌شده، در این بخش اطلاعات مربوط به فرضیه‌ی دوم پژوهش در خصوص تأثیر سنت‌گرایی بر فرهنگ سیاسی و ابعاد آن استخراج و در جدول شماره ۶، گزارش شده‌اند.

جدول شماره ۶: ضرایب مسیر غیراستاندارد، استاندارد، مقدار تی و سطح معنی‌داری مربوط به فرضیه‌ی دوم پژوهش						
P	T	S.E	β	B	متغیرهای ملاک	متغیر پیش‌بین
۰/۰۴	۳۵۱	۰/۰۵	۰/۱۴	۰/۰۳	فرهنگ سیاسی	سنت‌گرایی
۰/۰۰۰۱	۹/۹۵	۰/۱۰	۰/۴۹	۰/۹۹	ارزش‌های سیاسی	
۰/۳۱	۱/۰۱	۰/۱۱	۰/۰۵	۰/۱۱	نگرش‌های سیاسی	
۰/۴۶	-۰/۷۴	-۰/۰۵	۰/۱۱	-۰/۰۸	دانش سیاسی	

با توجه به نتایج موجود در جدول بالا، می‌توان نتیجه گرفت که سنت‌گرایی بر فرهنگ سیاسی و ارزش‌های سیاسی اثرگذار است. سنت‌گرایی با فرهنگ سیاسی در سطح ۰/۰۵ و با ارزش‌های سیاسی در سطح ۰/۰۱ رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار دارد. مقدار ضریب استاندارد سنت‌گرایی و ارزش‌های سیاسی ۰/۴۹ است که نشان‌گر تأثیر قوی سنت‌گرایی بر ارزش‌های سیاسی است. با این حال سنت‌گرایی با نگرش‌ها و دانش سیاسی، رابطه‌ی معنی‌داری نداشت. بنابراین فرضیه‌ی دوم پژوهش در مورد فرهنگ سیاسی و ارزش‌های سیاسی تأیید شد، اما در مورد نگرش‌ها و دانش سیاسی تأیید نشد. معمولاً برای ارزیابی میزان برازش مدل، ترکیبی از شاخص‌های برازش گزارش می‌شود. ابتدا مجذور خی و درجه‌ی آزادی آن گزارش می‌شود. حاصل تقسیم مقدار مجذور خی بر درجه‌ی آزادی یکی از شاخص‌های معتبر برازش است که مقدار مطلوب آن، کمتر از ۳ است. شاخص‌های دیگری که معمولاً گزارش می‌شود، شاخص نیکویی برازش^۱ (GFI) است که نشان‌دهنده‌ی میزان واریانس و کواریانس تبیین شده توسط مدل است. شاخص نیکویی برازش تعدیل‌شده^۲ (AGFI)، نیز نسخه‌ی تعدیل‌شده‌ی شاخص نیکویی برازش است که این شاخص را بر اساس حجم نمونه و درجه‌های آزادی تعدیل می‌کند. افزون بر این، شاخص توکر لویس^۳ (TLI) به‌عنوان یک شاخص برازش

1 Goodness of Fit Index (GFI)

2 Adjust Goodness of Fit Index (AGFI)

3 Tucker Lewis index

هنجار نشده گزارش می‌شود. شاخص برازش تطبیقی^۱ (CFI) به مقایسه‌ی مدل هدف با مدل مستقل می‌پردازد و نسبت به حجم نمونه حساس نیست. شاخص ریشه‌ی دوم میانگین مجذورات خطای تقریب^۲ (RMSEA) و مقدار پی برازش نزدیک آن (PCLOSE)^۳ نیز از شاخص‌هایی است که معمولاً جهت بررسی میزان برازش مدل مورد استفاده قرار می‌گیرد. در پایان جدول شماره‌ی ۷: شاخص‌های برازش مدل تأثیر متغیرهای قوم‌گرایی و سنت‌گرایی بر دانش سیاسی را به همراه مقادیر قابل قبول برای هر شاخص نشان می‌دهد.

جدول شماره‌ی ۷: شاخص‌های برازش مدل تأثیر متغیرهای سنت‌گرایی و قوم‌گرایی بر فرهنگ سیاسی							
PCLOSE	RMSEA	CFI	TLI	AGFI	GFI	X ² /df	
۰/۱۷	۰/۰۴	۰/۹۹	۰/۹۶	۰/۹۱	۰/۹۴	۰/۰۳	مقادیر حاصل
>۰/۰۵	<۰/۰۸	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	<۳	مقادیر قابل قبول

همان‌گونه که در جدول بالا ملاحظه می‌شود، مدل تأثیر متغیرهای قوم‌گرایی و سنت‌گرایی بر فرهنگ سیاسی شهروندان، از برازش مطلوب برخوردار است.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مسئله پژوهشی ما ناظر به بررسی تأثیر متغیرهای فرهنگی قوم‌گرایی و سنت‌گرایی بر فرهنگ سیاسی و ابعاد سه‌گانه آن، (ارزش‌های سیاسی، نگرش‌های سیاسی و دانش سیاسی) در کلان‌شهر اهواز است. قوم‌گرایی، متغیر اول مورد بررسی در پژوهش حاضر است. با توجه به نتایج به دست آمده از مشاهدات استخراجی از نمونه، می‌توان نتیجه گرفت که قوم‌گرایی بر فرهنگ سیاسی و مؤلفه‌های آن اثرگذار است. در ضمن رابطه‌ی قوم‌گرایی با فرهنگ سیاسی، دانش و نگرش‌های سیاسی منفی و با ارزش‌ها سیاسی مثبت است. قوم‌گرایی، قوی‌ترین پیش‌بین ارزش‌های سیاسی است که مقدار ضریب استاندارد آن ۰/۷۷ است. تأثیر قوم‌گرایی بر ارزش‌ها و نگرش‌های سیاسی در سطح ($p < 0/01$) و تأثیر قوم‌گرایی بر فرهنگ و دانش سیاسی در سطح ($p < 0/05$) معنی‌دار بود. بنابراین

1Comparative Fit Index (CFI)

2Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)

3 PO F CLOSE FIT (PCLOSE)

فرضیه‌ی اول پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد. آلموند و وربا در مطالعات خویش، به این نتیجه رسیدند که جهت‌گیری‌های سیاسی با نوع گروه‌های قومی رابطه دارد. (آلموند^۱ و همکاران، ۱۹۶۳) الازار در تئوری منطقه‌گرایی، معتقد به این است که هر یک از خرده‌فرهنگ‌های مناطق مختلف، یک سری ارزش‌های مختص خویش دارند که در خلق شکل‌های خاص سیاست، نقش دارند و قومیت، متغیر کلیدی برای تبیین فرهنگ سیاسی منطقه‌ای می‌باشد. (هندرسون، ۲۰۰۷) سیلور و داوولی، تر اهمیت قومیت در تنوع ارزش‌های سیاسی را در مباحث سیاسی و به‌ویژه پذیرش یا رد ارزش‌های سیاسی دموکراتیک مطرح کرده‌اند. (سیلور و همکاران، ۶۷:۲۰۰۰) آن‌ها بر این باورند که هویت‌های قومی، آلترناتیو اصلی برای وابستگی‌های ملی بوده و محتمل‌ترین منبع تنوع سیستماتیک در فرهنگ سیاسی هر کشوری به شمار می‌آیند و چنین نتیجه می‌گیرند که «تأثیر میزان توافق بر ارزش‌های سیاسی بنیادی میان اعضای گروه‌های مختلف قومی در جوامع چندقومی بر نحوه‌ی عملکرد نهادهای دموکراتیک و نیز فرایند دموکراتیزاسیون جوامع در حال گذار، احتمالاً بسیار مهم باشد». (سیلور و همکاران، ۶۹:۲۰۰۰) ویلیام ریسینگر در مطالعه‌ای با عنوان رنسانس فرهنگ سیاسی (۱۹۹۵)، معتقد است که نوع فرهنگ سیاسی شهروندان در جوامع چند قومی و چند فرهنگی، از هویت قومی و فرهنگی شهروندان تأثیر بسیاری می‌پذیرد. شیلز، معتقد است که قومیت در جوامع مدرن، هم چنان به حیات خود ادامه می‌دهند و هویت قومی به‌عنوان یک عامل تهدیدکننده‌ی دولت‌های مدرن در دست‌یابی به نفوذ معرفی می‌کند. لوسین پای، در بحث توسعه‌یافتگی سیاسی معتقد است که دو بحران هویت و ادغام، در جوامع چند قومی بیشتر موضوعیت دارد. (حسین پناهی، ۱۳۹۴) نتایج تحقیقات احمدی و مجیدی (۱۳۹۶)، مجیدی (۱۳۹۵)، که نمونه‌های مطالعات داخلی هستند و نتایج تحقیقات سیلور و همکاران (۲۰۰۰)، استروسکا (۲۰۰۷)، استفانویچ و ژرمن (۲۰۰۴)، آلموند و وربا (۱۹۶۳) به‌عنوان نمونه‌ی مطالعات خارجی، با یافته‌های پژوهش حاضر در خصوص رابطه‌ی قوم‌گرایی و فرهنگ سیاسی، هم سو می‌باشد.

در بررسی فرضیه‌ی دوم پژوهش حاضر، در خصوص تأثیر سنت‌گرایی بر فرهنگ

¹ Almond

سیاسی، نتایج تحلیل‌ها نشان داد که سنت‌گرایی بر فرهنگ سیاسی و ارزش‌های سیاسی اثرگذار است. سنت‌گرایی با فرهنگ سیاسی، رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار در سطح (p<0/05) و با ارزش‌های سیاسی، رابطه‌ی منفی و معنی‌دار در سطح (p<0/01) دارد. مقدار ضریب استاندارد سنت‌گرایی و ارزش‌های سیاسی ۰/۴۹- است که نشان‌گر تأثیر منفی قوی سنت‌گرایی بر ارزش‌های سیاسی است. باین‌حال سنت‌گرایی با نگرش‌ها و دانش سیاسی رابطه‌ی معنی‌داری نداشت. بنابراین فرضیه‌ی دوم پژوهش در مورد فرهنگ سیاسی و ارزش‌های سیاسی تأیید شد، اما در مورد نگرش‌ها و دانش سیاسی تأیید نشد. آلموند و پاول، با استعانت از متغیرهای الگویی پارسونز، در تئوری توسعه‌ی سیاسی معتقدند که در اجتماعات سنت‌گرا، افراد، کم‌تر گرایش به تفکر و یا راه‌جویی مدبرانه دارند، بلکه بیش‌تر منفعلانه، تسلیم محیط می‌شوند. در مقابل نوگرایی، انسانی که سنت‌گراست، فاقد روحیه‌ی فایده‌مندی است و منفعلانه خود را تسلیم سرنوشت می‌نماید و از نوآوری و تغییرات، اعم از فرهنگی و سیاسی می‌هراسد و به جهان خارج، ناآشنا و بی‌اعتماد است و روابطش با دیگران براساس سنت طبقاتی و سلسله‌مراتب گذشته می‌باشد. (سیف‌زاده، ۱۳۷۳: ۱۲۲-۱۲۱) پای در تبیین جایگاه سنت‌ها، در شکل‌دهی فرهنگ سیاسی، بیان می‌کند که فرهنگ سیاسی سنتی در برخی جوامع، شرایطی آماده را برای تکامل دموکراتیک فراهم آورده است. در صورتی که در دیگر جوامع، تمایلات موجود، بیش‌تر با روش‌های اقتدارطلب سازگار بوده است. بنابراین مشکلات توسعه از نگاه فرهنگ سیاسی، کم‌تر با حذف آشکار الگوها و ارزش‌ها کهنه و بیش‌تر با کشف موفقیت‌آمیز چگونگی مشارکت و سهم سنت‌ها در تحقق اهداف ملی و نه‌میزان ممانعت آن‌ها ارتباط دارد، بنابراین توسعه‌ی سیاسی مؤثر، مستلزم یافتن جایگاهی مناسب برای بسیاری از ملاحظات سنتی در طرح‌نویین امور است. (پای، ۱۳۷۰: ۴۴) از نظر بشیریه، سنت‌گرایی تجددستیز در اشکال مختلف خود با تجدد به‌عنوان مجموعه‌ای از ابزارها و امکانات، لزوماً مخالفت نمی‌ورزد، بلکه حتی از ابعاد عینی تجدد بهره‌برداری می‌کند، لیکن نظام فرهنگی مرتبط با آن، یعنی ابعاد ذهنی و فکری تجدد را نفی می‌نماید. (بشیریه، ۱۳۸۳: ۷۱۹) ویلیامز با الگوبرداری از تئوری هژمونی فرهنگ سیاسی گرامشی، معتقد هستند که هژمونیک از سه فرایند فرهنگی؛ سنت‌ها، نهاد و صف‌آرایی‌ها ترکیب می‌یابد. سنت‌ها به‌طور مستمر از سوی دولت‌های ملی تأسیس می‌شوند و تولید و بازتولید

مادی آن‌ها، به نحوی وسیع، مبتنی است بر نهادهایی چون رسانه‌های جمعی و شیوهی هژمونیک سلطه به‌جز سنت‌ها و نهادهای سلطه بر صف‌آرایی‌های درون جامعه مدنی مبتنی است که شامل؛ جنبش‌ها و گرایش‌های آگاهانه‌ی معینی است که در درون معانی و ارزش‌های سلطه عمل می‌کند. (بشیریه، ۱۳۷۹: ۱۵) اینگلهارت معتقد است که جوامع به دو قطب مشخص با جهت‌گیری‌های سنتی در برابر جهت‌گیری دنیوی (عقلانی) نسبت به ارزش‌های معطوف به بقا (اقتدار) در برابر ارزش‌های معطوف به ابراز وجود قابل تشخیص می‌باشند. بین جهان‌بینی این دو قطب (سنتی - عقلانی) تفاوت‌های منظم در قلمروی گسترده‌ای از باورهای سیاسی - اجتماعی و مذهبی مشاهده می‌شود. چنان‌که جوامع سنتی بر هم‌نوایی اجتماعی تأکید می‌ورزند، نه بر توفیق فردی، موافق اجتماعی‌اند نه کشمکش‌های سیاسی، آشکارا جانب‌دار و حرمت‌نهادن به مراجع قدرت هستند. درحالی‌که در جوامعی که ارزش‌های دنیوی دارند، عکس ارزش‌های فوق‌دیده می‌شود. (اینگلهارت، ۱۳۸۱: ۹۷) باوجود آنکه در تحلیل و تبیین فرهنگ سیاسی، هم در مطالعات داخلی و هم خارجی، چندان به متغیر سنت‌گرایی پرداخت نشده است، باین‌وجود با رویکرد جامعه‌شناختی، می‌توان میان یافته‌های مطالعاتی فاضلی و همکاران (۱۳۹۷) افشانی و همکاران (۱۳۸۹)، احمدی (۱۳۹۶) و سیونگ یو (۱۳۸۱)، قرابت نسبی با نتایج استخراج‌شده از متغیر سنت‌گرایی پژوهش حاضر، برداشت کرد.

پیشنهاد‌های پژوهش

در راستای نتایج اخذشده در پژوهش حاضر، پیشنهاد‌های زیر قابل‌ارائه است:

پیشنهاد‌های بنیادی

شناسایی فرهنگ سیاسی یک جامعه، هم چون کلان‌شهر اهواز و بررسی عوامل مؤثر بر آن، امکان بررسی رفتارهای سیاسی را برای نظام سیاسی میسر می‌نماید و حتی به پشتوانه این بررسی می‌توان، در صورت وقوع تضادها و تنش‌ها، آن‌ها را به‌طور مسالمت‌آمیز مدیریت کرد.

تأکید و توجه پژوهش حاضر بر عوامل فرهنگی است. درحالی‌که مسلماً متغیرهای متعدد دیگری می‌توانند تبیین‌گر ابعاد سه‌گانه ارزش‌ها، نگرش‌ها و دانش سیاسی فرهنگ سیاسی باشند، که شناخت و بررسی آن‌ها، احتیاج به پژوهش‌های گسترده و جامع‌تر است.

از آنجا که اکثر افراد، فقط در زمان رأی‌دهی و انتخابات درگیر مسائل سیاسی شده و بعد از آن کمتر مسئولیتی برای مشارکت خود در جامعه احساس می‌کنند. در نظر گرفتن تمهیداتی برای افزایش علاقه و مشارکت مردم در مباحث سیاسی، به افزایش آگاهی آنان و مشارکت مداوم و عمیق اقشار مختلف کمک می‌رساند.

در بحث چارچوب تئوریک، سعی بر استفاده از تئوری‌های شناخته‌شده در حوزه متفکرین فرهنگ سیاسی، نظیر اینگلهارت، آلموند و وربا، الازار و پاول و پای شده است، قاعدتاً می‌توان با مداخله و ورود متغیرهای دیگری در ساحت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در تبیین صورت‌بندی ابعاد سه‌گانه‌ی فرهنگ سیاسی، از نظریات سایر متفکرین در مطالعات فرهنگ سیاسی بهره‌مند شد.

شناسایی سنت‌های سالم و سازنده برای ساختن و نوسازی از طریق آموزش‌های همگانی، می‌تواند بر شکل بخشیدن به دانش سیاسی و ارزش‌های سیاسی نو، اثرگذار باشد.

پیشنهاد‌های کاربردی

با توجه به تنوع و تکثر قومیتی در کلان‌شهر اهواز و چالش‌ها و گهگاه تنش‌هایی که در بزنگاه‌های سیاسی میان گروه‌های سیاسی رخ می‌دهد، به نظر می‌رسد تقویت و گسترش کرسی‌های آزاداندیشی، بتواند تأثیر به‌سزایی در بهبود اوضاع داشته باشد، چراکه می‌تواند ابهامات و سوء تفاهم‌های برخی از گروه‌ها و گرایش‌های سیاسی را دربار‌هی نگرش‌های سیاسی گروه‌ها و جریان‌های سیاسی رقیب، برطرف ساخته و به شفاف‌سازی و روشن شدن فضای عمومی سیاسی جامعه کمک کند.

با توجه به ماهیت ابعاد موردبررسی (قومیت‌گرایی، سنت‌گرایی)، مسلماً در صورتی که بتوان در تحقیقات از مصاحبه‌گران بومی و متعلق به هر قومیت بهره‌برد، در بالا بردن اعتماد پاسخ‌دهندگان به چنین پژوهش‌هایی مؤثر خواهد بود.

مسئولان شهری و ارگان‌های ذی‌ربط با استفاده از برگزاری جشنواره‌های سنتی و قومیت‌های گوناگون و ارائه‌ی برنامه‌های آموزش سیاسی در این مراسم‌ها، می‌توانند موجبات ارتقاء آگاهی و دانش سیاسی این دسته از افراد را به وجود آورند.

توزیع عادلانه خدمات، ارزش‌ها و کالاها توسط دولت و مسئولین دولتی در کلان‌شهر اهواز، بر نگرش‌ها و ارزش‌های سیاسی شهروندان می‌تواند اثرگذار باشد.

منابع

- احمدی، یعقوب، محمدزاده، حسین، مجیدی، ابوبکر (۱۳۹۶)، گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی دانشجویان استان کردستان برپایه متغیرهای اجتماعی- فرهنگی، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و نهم.
- احمدی، یعقوب (۱۳۹۰)، رویکردهای قومی و گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی، مطالعه موردی: شهر سنندج، فصلنامه‌ی تحقیقات فرهنگی، دوره‌ی چهارم، شماره‌ی ۴.
- آلموند و پاول (۱۳۷۵)، جامعه‌پذیری و فرهنگ سیاسی، ترجمه‌ی علیرضا طیب، فصلنامه‌ی اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره‌ی ۱.
- افشانی، علیرضا، ابراهیم نیا، ابراهیم نیا، مسعود، حیدری، محمد (۱۳۸۹)، توزیع اجتماعی نگرش‌های سیاسی نوگرا و سنت‌گرا در شهر یزد، مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی ۱۱، شماره‌ی ۳، صص ۵۵-۲۹.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۹۵)، تحول فرهنگی در جامعه صنعتی پیشرفته، ترجمه: مریم وتر، تهران، کویر.
- اینگلهارت، رونالد. نوریس، پیپا (۱۳۹۶)، مقدس و عرفی، دین و سیاست در جهان: کندوکاوی در جوامع مذهبی و غیرمذهبی جهان، ترجمه‌ی مریم وتر، تهران، کویر.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۹)، نظریه‌های فرهنگ در قرن بیستم، تهران، انتشارات پویا.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰)، موانع توسعه سیاسی در ایران، تهران، نشر گام نو.
- پالمر، موتی، اشترن، لاری و گایل چالز (۱۳۹۳)، نگرشی جدید به علم سیاست، ترجمه‌ی منوچهر شجاعی، تهران، چاپ هشتم، انتشارات وزارت امور خارجه.
- پای، لوسین (۱۳۷۰)، فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی، ترجمه‌ی مجید محمدی، نامه فرهنگ، ۵ و ۶، صص: ۳۵-۴۷.
- حسین پناهی (۱۳۹۶)، هویت قومی و توسعه‌یافتگی سیاسی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه کردستان در سال تحصیلی ۹۴-۹۵)، دوره‌ی ۱۰، شماره‌ی ۱.
- مارش، دیوید و جری استوکر (۱۳۹۵)، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه‌ی امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سیونگ یو، دال (۱۳۸۱)، فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی، مطالعه تطبیقی کره و ایران،

تهران، خانه سبز.

شریف، محمدرضا (۱۳۸۱)، انقلاب آرام، درآمدی بر تحول فرهنگ سیاسی در ایران معاصر، تهران، انتشارات روزانه.

عابدی اردکانی، محمد (۱۳۸۱)، سنت و نوسازی سیاسی، یزد، بنیاد فرهنگی، پژوهشی ریحانه الرسول.

عالم، عبدالرحمن (۱۳۹۴)، بنیادهای علم سیاست، تهران، چاپ بیست و هفتم، نشر نی. علمی، سینا (۱۳۹۷)، بررسی جامعه‌شناختی فرهنگ سیاسی روستایان شهرستان ماکو، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان.

عظیمی، غلامرضا و محمدرضا رسولی (۱۳۸۹)، بررسی عوامل مؤثر بر نابرابری سیاسی با تأکید بر فرهنگ سیاسی، فصلنامه‌ی علوم اجتماعی، شماره‌ی، صص ۲۵۱-۲۲۳.

فاضلی، عبدالله، حیدری، آرمان، مرادی، رامین (۱۳۹۷)، بررسی تأثیر عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر جهت‌گیری سیاسی در اهواز و یاسوج، فصلنامه‌ی توسعه اجتماعی، دوره‌ی ۱۳، شماره‌ی ۵۰، صص ۹۰-۵۹.

مجیدی، ابوبکر (۱۳۹۵)، گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی دانشجویان دانشگاه‌های استان کردستان در تقابل با متعین‌های اجتماعی - فرهنگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور.

مردمی، کریم و احسنی، امیر (۱۳۹۵)، مقایسه تطبیقی دیدگاه اسلامی و دیگر مکاتب فکری در سنت میان انسان تکنولوژی و کارکرد آن در جامعه و محیط کالبدی، فصلنامه‌ی علمی و پژوهشی نقش جهان، شماره‌ی ۵-۱، صص ۹۹-۸۵.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، آمارنامه ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن.

هال، جان آر، مری‌جو نیتس (۱۳۹۲)، فرهنگ از دیدگاه جامعه‌شناختی، مترجم: فریبرز

مجیدی، ناشر صداوسیما جمهوری اسلامی ایران (سروش).

Almond, A. Gabriel & Sidney Verba. (1963). The Civic Culture, Princeton University Press

Beck, Ulrich & Giddens, Anthony & Lash, Scott (1994), Reflexive Modernization. Politics, Tradition and Aesthetics in the Modern Social Order, Stanford: Stanford University Press

Chen, G.. M., & Starosta, W. J. (2004). Communication among cultural diversities: A Dialogue", International and Intercultural Communication

Annual, 27, 3-16.

Henderson, Ailas. (2007). "The Regionalization & Political Culture", www.cpsa- acsp.ca

Hooghe Marc,(2008). Ethnocentrism" International Encyclopedia of the Social Sciences.Philadelphia: MacMillan Reference.

Howard T(2009). Organizational culture, job satisfaction, and clinician turnover in primary care. Journal of Primary Care & Community Health; 1(1): 29-36.

kellas J.Bade (2004). The Poitics Of Nationalism And Ethnicity,(2nd edition) ,NewYork:ST Martins Press.

Lin, Y., & Rancer, A. S. (2003). Ethnocentrism, intercultural communication apprehension, intercultural willingness-to-communicate, and intentions to participate in an intercultural dialogue program: Testing a proposed model", Communication Research Reports, 20, 62- 72.

Neuliep, J. W. & McCroskey, J. C. (1997). Development of a US and generalized ethnocentrism scale, Communication Research Reports, 14, 385-398.

Silver, Brian D. and Kathleen M. Dowley. (2000). Measuring Political Culture in Multiethnic Societies, Comparative Political Sstudies. Vol. 33. No.4, PP: 517-550

Stefanovic, Dragan & Daniel B. German. (2004). Political Culture in East and West: Democracy, Globalism and Multiculturalism,Southwestern Journal & International Studies. March. PP: 16-42